

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)  
با مطالعه موردی کتاب انسان ۲۵۰ ساله  
مهدی تابنده<sup>۱</sup>، غلامحسین محرمی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

چکیده:

تاریخ‌نگری به عنوان بینش و تاریخ‌نگاری به عنوان روش، دو عنصر مبنایی و اساسی در فهم تاریخ به‌عنوان حافظه اجتماعی و بهره‌گیری از آن است. امتداد تمدن‌ها همواره نسبت مستقیمی با میزان آشنایی آنها با تاریخ داشته است و در این زمینه میزان دانایی تاریخی رهبران هر ملت، یک عنصر حیاتی محسوب می‌شود. در این پژوهش بر آنیم تا با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با مطالعه موردی کتاب انسان ۲۵۰ ساله که گردآوری سخنان آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در خصوص تاریخ امامت است، برخی ابعاد تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری رهبر انقلاب را نمایان کنیم. یافته‌های این پژوهش در دو بخش مجزای تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری حاکی از آن است که معظم‌له با نگاهی توحیدی به تحلیل تاریخ می‌پردازند، ادوار زمانی را تفکیک کرده و از روش تحلیل دکترینال و استراتژیک تاریخ بهره می‌برند. همچنین روش تاریخ‌نگاری ایشان علاوه بر وجود شاخص‌های منحصر بفرد، مورد اجماع دانشمندان اسلامی و علمای تاریخ نیز هست.

واژگان اصلی: تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری، سید علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد انقلاب اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران (نویسنده مسئول)

tabande30@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

## مقدمه

این مقاله کوشیده است به بررسی ابعاد تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در کتاب انسان ۲۵۰ ساله و پیداکردن مؤلفه‌هایی که بر بینش و روش تاریخی ایشان حاکم است، بپردازد. از این رو سؤال اصلی پژوهش این است که «رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری در کتاب انسان ۲۵۰ ساله بر چه قواعدی بنا شده است؟» و به دنبال اثبات این فرضیه است که «مبنای تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری ایشان از یک نظام استوار و کارای تحلیلی پیروی می‌کند که قابلیت تعمیم برای سایر مطالعات تاریخی را داراست». هر چند کتابهایی درباره زوایای مختلف اندیشه ایشان به چاپ رسیده اما به‌جز مقاله‌ای درباره «روش‌شناسی تفکر اجتماعی» و برخی آثار مشابه، هرگز با اثری درباره روش‌شناسی تاریخی ایشان روبرو نیستیم. منبع اصلی مورد بررسی در این پژوهش کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» است که توسط انتشارات صهبا در سال ۱۳۹۰ به‌صورت گردآوری بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه<sup>(ع)</sup> انتشار یافت. از آنجا که می‌توان تاریخ‌نگاری را به‌معنای بینش تاریخی و تاریخ‌نگاری را به‌معنای شیوه تاریخی دانست، این پژوهش نیز بر همین اساس به دو بخش تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری معظم‌له تقسیم گردیده است.

در پایان مقاله نتایج حاصل از هر بخش و نکات حائز اهمیت، هم در باب شناخت اندیشه رهبر انقلاب و هم در باب تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری ارائه گردیده است.

## ابعاد تاریخ‌نگاری آیت‌الله خامنه‌ای

**نخستین ویژگی** در تاریخ‌نگاری ایشان، وجود یک زاویه نگاه مشخص به‌صدر اسلام است. این امر سبب می‌شود تا محدوده تحقیق و تحلیل درست تبیین گردد و «مسئله به‌طور واضح تعریف گردد.» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۲۶) از زاویه نگاه ایشان «عنصر مبارزه سیاسی حاد که خط ممتد زندگی ائمه<sup>(ع)</sup> را در طول ۲۵۰ سال تشکیل می‌دهد، در لابه‌لای روایات و احادیث و شرح حال‌ها گم شده»، (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۵) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رهبر انقلاب در کتاب، به تاریخ ائمه<sup>(ع)</sup> از زاویه تبیین «مبارزه حاد سیاسی» می‌نگرد و به دنبال پیگیری رگه‌های تاریخی آن هستند و از این رهگذر سه فرضیه را مطرح می‌نمایند.

نخست اینکه «تمام کارهای ائمه در طول این ۲۵۰ سال کار یک انسان، با یک هدف، با یک

نیت، و با تاکتیک‌های مختلف است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۰) این فرض در واقع خط اتصال تمام سخنان ایشان بهم است و در صدد اثبات آن هستند. دوم اینکه «ادعای امامت از طرف ائمه دقیقاً ادعای حق حکومت نیز هست و دعوت همه‌جا گستر آنان در حقیقت دعوت به مبارزه‌ای سیاسی نظامی برای بدست آوردن حکومت بوده است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۷۱) و سوم اینکه «ائمه از لحظه وفات رسول‌الله تا سال ۲۶۰ در صدد بودند که حکومت الهی را در جامعه اسلامی به‌وجود بیاورند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۶، ۱۸ و ۳۶)

هر سه فرض مطرح در کتاب با این ویژگی تاریخ‌نگاری که «فرضیه (باید) قابلیت طرح ادعای مشخصی از سوی محقق را داشته باشد که بتوان در پرتو آزمون یا پژوهش آن را تأیید یا رد کرد» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۰۴) انطباق دارد و کتاب تلاشی است برای اثبات آنها.

**دومین ویژگی** و شاید اصلی‌ترین وجه تاریخ‌نگاری ایشان، نگاه توحیدی به تاریخ است. «توحید» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای یک امر حیاتی است. ایشان با ذکر مثالی اهمیت توحید را بیان می‌کنند. «یک وقت در یک راهی دارید می‌روید با یک رفیقی، با همدیگر بحثان می‌افتد. شما می‌گوئید که آقا زمین‌های دو طرف جاده بنظر من شوره‌زار است، اصلاً در اینجا محصولی به‌عمل نمی‌آید. او می‌گوید: نه آقا اتفاقاً آمادگی دارد برای کشت فلان چیز. شما می‌گوئید، او می‌گوید. این بحث چقدر اهمیت دارد؟ هر کدام از شماها که حرفتان را ثابت بکنید، هیچگونه تأثیری در حرکت شما ندارد. یک وقت هست که بکهو رفیقتان می‌گوید که بنظر من این جاده‌ای که ما داریم می‌رویم، می‌رسد به‌شمال، در حالی که هدف شما جنوب است، اگر او ثابت کند حرفش را، سر ماشین را باید برگرداند، اگر شما ثابت کنید بایستی راهتان را بگیرید و پیش بروید، این را می‌گویند سؤال و جوابی که پاسخ آن تعیین‌کننده است. بحث توحید این‌جوری است.» (خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ۱۳۹۵: ۲۰۶)

معظم‌له مطلق علوم انسانی غربی را مادی و غیر توحیدی می‌دانند<sup>۱</sup> که به‌طور طبیعی شامل علم History نیز می‌شود. سؤال اینجاست که ایشان چگونه علم تاریخ توحیدی را جایگزین History غربی می‌کنند. برای پاسخ به این سؤال، ابتدا یک چارچوب را طرح می‌کنیم: واژگان قرآنی در یک ارتباط هندسی منظم با هم قرار دارند. کلمات به‌صورتی دوتایی، سه‌تایی،

<sup>۱</sup>بیانات ۱۳۹۳/۴/۱۱

چهارتایی و بیشتر با هم ارتباط معنادار دارند. ما در اینجا دوتایی‌ها را توضیح می‌دهیم. در قرآن چهار نوع ثنویت یا دوتایی وجود دارد:

۱. ثنویت‌های متباین: دو مفهوم قرآنی که در عالم خلق بوده و از دو جنس متفاوت هستند و

لازم و ملزوم یکدیگر نیستند، مثل «جن و انس»، «عرب و عجم»

۲. ثنویت‌های متضاد ضروری: دو مفهوم قرآنی که برای یکدیگر ضروری هستند و باید به تعادل برسند تا ضمن حفظ ثبات و آرامش، باعث رشد و کمال شوند. مانند «زن و مرد»، «خوف و

رجاء»، «سیف و شتاء»

۳. ثنویت‌های مترادف: دو مفهوم قرآنی که مترادف بوده و به صورت متوالی پس از یکدیگر می‌آیند. مثلاً فرد ابتدا مسلمان می‌شود و بعد مؤمن. اسلام و ایمان آوردن، دو مرحله‌ای هستند

که بصورت متوالی می‌آیند، «خلق و جعل»، «خلقت و ربوبیت»، «ولایت و هدایت»

۴. ثنویت‌های توحیدی: در این ثنویت‌ها که در عالم جعل مطرح است، مفهومی که جعل انسان

است به عنوان باطل کنار می‌رود و مفهومی که جعل خداوند است به عنوان حق باقی می‌ماند. مثل «خیر و شر». شر جعل انسان است و باید از بین برود، ولی خیر به عنوان مجعول خداوند باید

باقی بماند. «نور و ظلمت»، «رشد و غی»، «کذب و صدق» (عباسی، ۱۳۹۵؛ رجبعلی نژاد، ۱۳۹۶)

در تحلیل‌های کتاب ابتدا شاهد تفکیک ثنویت‌های توحیدی توسط ایشان هستیم، که نتیجه

آن تشکیل یک جبهه حق در مقابل یک جبهه باطل است. شروع این دو قطبی‌سازی با آغاز

رسالت همراه است «کار مهم پیامبر خدا، دعوت به حق و حقیقت و جهاد در راه این دعوت بود،

در مقابل دنیای ظلمانی زمان خود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۹) و در جای دیگر «دو جریان جداگانه و

بکلی متمایز از یکدیگر در اداره و حکمرانی بر مسلمین وجود دارد. جریان سلطنت و جریان

خلافت.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۴۶) ایشان سپس مختصات هر یک را برمی‌شمرند «قدرت‌گرایی در

یک طرف و اصول‌گرایی و ارزش‌گرایی و بنیادگرایی در یک سو. جریان حق اصالت را می‌دادند

به‌دین. قدرت داشتن، حکومت داشتن، دست خودشان کار بودن، مسائل فرعی بود. جریان دوم

برایش اصل این بود که قدرت را به‌دست بگیرد، می‌خواست حاکم باشد، حالا با هر

قیمتی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۴۷)

در نگاه فرآیندی ایشان، این دو قطبی به‌زمان پیامبر نیز تسری می‌یابد «اگر کسی بخواهد

قدری دور از ملاحظات اعتقادی و صرفاً متکی به شواهد تاریخی حرف بزند، شاید بتواند ادعا

کند که این جریان، حتی در دوران (حکومت) اسلام به وجود نیامده بود؛ بلکه ادامه‌ای بود از آنچه که در دوران نهضت پیامبر - یعنی دوران مکه - وجود داشت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۳۴) حتی ایشان هدف هجرت را مبارزه توحیدی میان همین دو قطب می‌دانند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۵) پس از بیان مختصات هر سوی ثنویت، مصادیق آن را هم نام می‌برند «در دوران امام حسن<sup>(ع)</sup> جریان مخالف آنچنان رشد کرد که توانست به صورت یک مانع ظاهر بشود. البته این جریان مخالف، در زمان امام مجتبی<sup>(ع)</sup> به وجود نیامده بود. بعد از آنکه خلافت در زمان عثمان به دست این قوم رسید، ابوسفیان به آنها خطاب کرد و گفت: تَلَفَّفُوها تَلَفَّفَ الْكُرَّة» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۳۴) می‌توان گفت از دید ایشان این جریان در دوره صدر اسلام به سه شکل ظهور یافت: نخست کفار مکه، سپس بنی‌امیه و بنی‌عباس.

«در کنار این جریان، جریان اسلام قرآنی که هیچ وقت با آن جریان حاکم اما ضد ارزش‌ها کنار نمی‌آمد، نیز ادامه پیدا کرد که مصداق بارز آن، ائمه<sup>(ع)</sup> و بسیاری از مسلمانان همراه آنان بودند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۴۱) ایشان از این دو قطبی نتیجه می‌گیرند که «گاهی همان جریانی که اصل برایش قدرت هست، ظواهر اسلامی را هم ملاحظه می‌کند، این دلیل نیست؛ باید باطن کار را نگاه کرد و هوشیارانه تشخیص داد که کدام جریان منطبق با کجاست». (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۴۹) در بیانات ایشان در کتاب حداقل پانزده مورد از ثنویت‌های توحیدی قرآنی، در تحلیل تاریخ لحاظ شده: حق و باطل، لاله - الاله، نور و ظلمت، هدایت و ضلالت، حیات طیبه و حیات خبیثه، خیر و شر، مستضعف و مستکبر، رشد و غی، عزت و ذلت، ایمان و کفر، ولایت‌الله و ولایت طاغوت، موسوی و فرعون، ابراهیمی و نمرودی، قسط و ظلم، عدل و جور.

همچنان که شاهد فهرستی از ثنویت‌های قرآنی در کتاب هستیم، در واقع با فهرستی از معروف‌ها و منکرهای قرآنی مواجهیم. ارزش این روش اینستکه خواننده را با این فهرست آشنا می‌کند. شناخت معروف‌ها و منکرها سبب شکل‌گیری ولایت در انسان می‌شود و دو فرع از فروع دین را در درون انسان سازماندهی می‌کند، توکی و تبری. این همه کار نیست، امر به معروف و نهی از منکر، بستری است که تمام این تحلیل بر پایه آن استوار است و خواننده در هر لحظه از مطالعه تاریخی، مخاطب این امر و نهی است. اما کلیدی‌ترین بخش «هجرت» است. در آیه ۲۰ سوره توبه با مفهوم «هجرت» مواجه‌ایم: «الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل‌الله». برای هجرت معانی گوناگونی وجود دارد، هجرت از مکانی به مکان دیگر، هجرت برای نجات

از ظلم و حفظ اسلام (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۹۱) و... یکی از معانی هجرت نیز هجرت از خود به خدا و یا از طاغوت به الله است. امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> درباره هجرت می‌فرماید: «انما المهاجرون الذين يهجرون السيئات ولم ياتوا بها» (قمی، ۱۴۱۴: جلد ۸، ص ۶۲۸) با خواندن کتاب انسان ۲۵۰ ساله، انسان یک میل درونی «هجرت» از بدی‌ها، پلشتی‌ها، گناهان و منکرها به خوبی‌ها، زیبایی‌ها، ثواب‌ها و معروف‌ها در خود حس می‌کند. در تحلیل تاریخ ائمه نیز وقتی ایشان از این روش استفاده می‌کنند، خودبخود ولایت و حبّ معصومین<sup>(ع)</sup> در دلها افزایش یافته و برائت و بغض کفر و طاغوت را به دلها وارد می‌نمایند.

در واقع نوآوری ایشان، ارائه نوعی از تعامل با تاریخ است که در آن اصل توحید از اصول دین، اصل امامت از اصول تشیع و پنج فرع دین شامل توکی، تبرّی، امر به معروف، نهی از منکر و جهاد و مفاهیمی نظیر هجرت به شکل سازمان یافته احیاء می‌گردد و به شکلی غیر سازمان یافته نیز شاهد تبیین سایر اصول و فروع دین هستیم، مثلاً بخشهایی که درباره عدل و قسط و نماز و حج سخن گفته می‌شود.

همچنان که در قرآن اشاره می‌فرماید که «فاعتبروا یا اولی الابصار»<sup>۱</sup> ایشان از تاریخ برای عبرت‌گیری بهره می‌برند و مدل تحلیل تاریخ ایشان قرآنی است. نکته اینجاست که با این روش، تاریخ به معبری برای رساندن انسان به سعادت تبدیل می‌شود و از یک علم تاریخ سکولار، به یک علم تاریخ «دین‌پایه» خواهیم رسید. به عبارتی اولین گام در تحلیل تاریخ در منظر معظم‌له، تشخیص همین ثنویت‌های توحیدی است. در این روش تحلیل، یک تحلیل‌گر تاریخ باید ابتدا از بستر دین، جبهه حق و باطل را تشخیص دهد و بعد به تحلیل مفاد تاریخی بپردازد.

**ویژگی سومی** که در روند تاریخ‌نگری ایشان حائز اهمیت است، نگاه فرآیندی به تاریخ است. «درباره آثار و پیامدهای رخداد‌های تاریخی توجه به این نکته ضرورت دارد که بسیاری از رخدادها یا تحولات را باید به صورت فرآیندی نگریست، زیرا این تحولات به مثابه کلاف‌های در حال باز شدن هستند و رفته‌رفته نیروها، آثار و نتایج خود را بروز می‌دهند و اگر آن‌ها را در مرحله خاصی متوقف کنیم در واقع شناخت درستی از آنها به دست نیآورده‌ایم.» (ملائی‌توانی، ۱۳۹۰: ۱۶۹) رهبر انقلاب تاریخ را فرآیندی و «هوشمند»<sup>۲</sup> مطالعه می‌کنند. به تعبیری می‌توان

<sup>۱</sup>حشر، ۲

<sup>۲</sup> Intelligence

تاریخ را «داده‌وار» مطالعه کرد، یعنی فقط یک داده تاریخی خام و پرورش‌نیافته را مدنظر داشت و نتیجه گرفت، و یا تاریخ را هوشمندانه و با اتصال داده‌های گوناگون بهم و به شکل «محصولی که از جمع‌آوری، ارزیابی، تجزیه و تحلیل، ترکیب و تفسیر اطلاعات خام به دست می‌آید» (کالینز، ۱۳۸۶: ۴۷۴) مطالعه کرد. بدین معنا که ابتدا داده‌ها را جمع‌آوری نمود، سپس آنها را بر زمان منطبق نمود و قائل به گذشته، حال و آینده برای آن «داده» بود و در آخر این اطلاعات زمان‌مند را در یک وادی<sup>۲</sup> مشخص مطالعه نمود. «اگر انسان هر واقعه‌ای را جداگانه حساب کند چیزی ملتفت نمی‌شود. باید نگاه کند و ببیند ترکیب کار چگونه است؛ چطور همه این کارها انجام گرفته است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۴۱) و در جای دیگر «اگر حوادث جزئی را بریده از آن جهت‌گیری کلی در زندگی امام مورد مطالعه قرار دهیم، بیوگرافی امام فهمیده نخواهد شد، مهم این است که ما جهت‌گیری کلی را بشناسیم.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۲۰)

نگاه فرآیندی ایشان به تاریخ اسلام را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

**نوع نخست** دوران ۲۵۰ ساله امامت را شامل می‌شود که البته با دوران نبوت و غیبت هم قابل ترکیب است. در این خصوص به دفعات در کتاب شاهد اشارات گوناگون هستیم «باید یک انسانی را فرض کنیم که ۲۵۰ سال عمر کرده و در سال یازدهم هجرت قدم در یک راهی گذاشته و تا سال ۲۶۰ هجری این راه را طی کرده. تمام حرکات این انسان با این دید قابل فهم خواهد بود.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۶) ایشان درباره حکومت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> در این مدت نشان داد که اصول اسلامی که در دوران انزوای اسلام و دوران کوچکی جامعه اسلامی به وجود آمده بود، در دوران گسترش جامعه اسلامی هم قابل پیاده شدن است. اگر علی<sup>(ع)</sup> را از این وسط حذف می‌کردیم، ممکن بود تاریخ اینطور قضاوت کند که اصول اسلامی و ارزش‌های نبوی خوب بود؛ اما در همان دوره مدینه‌النبی<sup>(ع)</sup>». (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۹۳) درباره امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز ایشان از همین ادبیات استفاده می‌فرمایند: «اما به تدریج می‌توان فهمید که امام هشتم در دوره امامتشان - همان مبارزه درازمدت اهل بیت را که در همه اعصار بعد از عاشورا استمرار داشته، با همان جهت‌گیری و همان اهداف ادامه می‌داده» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۶۶) حتی این عنصر تحلیل هوشمند امروز را نیز فرا می‌گیرد «کاری که در زمان امام حسین<sup>(ع)</sup> انجام گرفت، نسخه

<sup>1</sup> Data

<sup>2</sup> Paradigm

کوچکش هم در زمان امام ما انجام گرفت. متنها آنجا به نتیجه شهادت رسید، اینجا به نتیجه حکومت. این همان است، فرقی نمی‌کند. هدف امام حسین<sup>(ع)</sup> با هدف امام بزرگوار ما یکی بود.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۷۹)

**نوع دوم** دوره امامت هر امام را به شکل هوشمند و فرآیندی مطالعه می‌کند. «سیره هر کس به معنای واقعی کلمه، آنگاه روشن می‌شود که ما جهت‌گیری کلی آن شخص را بدانیم و سپس به حوادث جزئی زندگی او بپردازیم. اگر آن جهت‌گیری کلی دانسته شد، آن حوادث جزئی هم معنا پیدا می‌کند؛ اما اگر چنانچه آن جهت‌گیری کلی دانسته نشد یا غلط دانسته شد، آن حوادث جزئی هم بی‌معنی یا دارای معنی نادرستی خواهد شد. این اصل در مورد زندگی همه صدق می‌کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۲۰) ایشان درباره امام باقر<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «نوزده سال دوران رهبری امام همانند خطی مستقیم و متصل»، (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ص ۲۹۳) و درباره امام کاظم<sup>(ع)</sup>: «در زندگی‌نامه آن امام، سخن از حوادث گوناگون بدون توجه به خط جهاد مستمری که همه عمر امامت آن بزرگوار را فرا گرفته بوده است، ناقص می‌ماند. تبیین این خط است که همه اجزای این زندگی را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و تصویری واضح و جهت‌دار که در آن هر پدیده‌ای دارای معنایی است، ارائه می‌کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۴۴) و یا «صدها حادثه توجه برانگیز و پر معنی و در عین حال ظاهراً بی‌ارتباط و گاه متناقض با یکدیگر در زندگی موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> هنگامی معنا می‌شود و ربط می‌یابد که ما آن رشته مستمری را که از آغاز امامت آن بزرگوار تا لحظه شهادتش ادامه داشته، مشاهده کنیم.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۴۶)

بر همین اساس ایشان سه نوع تقسیم‌بندی زمانی را مطرح و وقایع تاریخی را ذیل یکی از آنها تحلیل می‌کنند.

**نخستین نوع**، زمان‌بندی اسلام در قالب دو عنوان «اسلام به شکل حکومت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۳۴) و «اسلام به شکل نهضت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۳۷) که شامل چهار دوره زمانی می‌شود. دوره نخست: اسلام به شکل نهضت، دوران ۱۳ ساله بعثت تا هجرت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۳۳) دوره دوم: اسلام به شکل حکومت، دوران ۴۱ ساله از هجرت تا صلح امام حسن<sup>(ع)</sup>. دوره سوم: اسلام به شکل نهضت از سال ۴۱ (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۳۴) تا انقلاب اسلامی ایران و دوره چهارم: اسلام به شکل حکومت از انقلاب تا کنون. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۴۰۶)

**دومین نوع**، دوران ۲۵۰ ساله امامت را به هفت دوره تقسیم می‌کند.



دوره یکم، دوره سکوت یا کناره‌گزینی امام که بعد از ماجرای سقیفه آغاز و تا زمان جنگ‌های رده ادامه می‌یابد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ص ۸۸)

دوره دوم، دوره وزارت، که از جنگ‌های رده تا خلافت امام علی<sup>(ع)</sup> است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۸۹)

دوره سوم، دوره به‌قدرت رسیدن امام، شامل خلافت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> و چند ماه خلافت حسن بن علی<sup>(ع)</sup> (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۷۵)

دوره چهارم، ۲۰ سال میان صلح امام حسن<sup>(ع)</sup> و شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup> (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۷۶)

دوره پنجم، یک فعالیت میان مدت ۷۵ ساله از امامت امام سجاد<sup>(ع)</sup> تا میانه امامت امام صادق<sup>(ع)</sup>

دوره ششم، از خلافت منصور تا شهادت امام رضا<sup>(ع)</sup> در برنامه میان‌مدتی دیگر

دوره هفتم از شهادت امام هشتم به بعد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۸)

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ایشان قائل به ۷ دوره امامت هستند: ۱. دوره سکوت امام. ۲. دوره وزارت امام. ۳. دوره خلافت امام. ۴. دوره برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت برای ساخت حکومت اسلامی. ۵. نخستین دوره برنامه‌ریزی میان‌مدت. ۶. دومین دوره برنامه‌ریزی میان‌مدت و ۷. دوره برنامه‌ریزی بلندمدت.

**سومین نوع، تفکیک وادی اقدام** است. ایشان دوره هر یک از معصومین<sup>(ع)</sup> و یا در مواردی چند معصوم را به وادی‌های مختلفی تقسیم می‌کنند که تمام آن دوره را باید مبتنی بر آن وادی تحلیل نمود. به‌عنوان نمونه دوران سیزده ساله مکه را به‌عنوان فصل اول رسالت معرفی کرده و آن را مقدمه فصل دوم که دوران مدینه است، می‌دانند و فصل دوم را دوران شالوده‌ریزی نظام اسلامی و ساختن یک الگو برای حکومت اسلامی. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۵)

در فرازی از کتاب می‌خوانیم: «اٹمه هشت‌گانه، از زمان امام سجاد<sup>(ع)</sup> تا امام عسکری<sup>(ع)</sup> هر یک یا هر چند نفر، مختصاتی در زمان و به‌تبع آن، در جهاد خود داشتند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۴۷)

معظم‌له در یک رابطه خطی برای تشکیل حکومت علوی، دوره حسنین<sup>(ع)</sup> را دوره برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، دوره امام سجاد<sup>(ع)</sup> تا روی کار آمدن منصور در دوره امام صادق<sup>(ع)</sup> را دوره برنامه‌ریزی میان مدت نخست و از روی کار آمدن منصور تا شهادت امام رضا<sup>(ع)</sup> را دوره برنامه‌ریزی میان‌مدت دوم و دوران بعد از امام هشتم<sup>(ع)</sup> را دوره برنامه‌ریزی بلندمدت می‌دانند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۸)

به طور کلی نیز، رهبر انقلاب فعالیت‌های اٹمه را به دو دسته «کارهای معنوی و روحی» و

«بقیه کارها» تقسیم می‌نمایند و معتقدند که هدف دسته دوم تشکیل حکومت بوده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۹)

**ویژگی چهارم** اینکه رهبر انقلاب در تحلیل تاریخ از رویکرد تحلیل محتوای دکترینال<sup>۱</sup> و استراتژیک<sup>۲</sup> استفاده می‌کنند.<sup>۳</sup> برخی بیانات ایشان نشان از احاطه کامل بر این موضوع دارد «همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، نشانه امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگتر را نوید می‌دهد. حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد، نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است.»<sup>۴</sup> و یا «گاهی بعضی‌ها به‌عنوان اینکه ما تاکتیک و روش خود را عوض کردیم، اصل راهبرد را دگرگون می‌کنند.»<sup>۵</sup> در بیانی دیگر می‌فرمایند: «اتخاذ تاکتیک هیچ منافاتی ندارد با اینکه انسان آن راهبرد اساسی را به‌هیچ وجه فراموش نکند.»<sup>۶</sup> و اینکه «تاکتیکی که ما را از استراتژی دور می‌کند، پیداست که غلط است.»<sup>۷</sup> در کتاب انسان ۲۵۰ ساله در موارد مختلف از واژه‌های استراتژی (صفحات ۱۶۰ و ۳۰۳) و تاکتیک (صفحات ۱۶ و ۲۰ و ۲۲۲ و ۲۹۳) استفاده شده. در ادامه به‌عنوان نمونه به‌استفاده از این رویکرد تحلیلی در فصل دهم کتاب (امام باقر<sup>(ع)</sup>)، اشاره می‌شود.

فصل دهم جزء فصولی است که ایشان به‌تیین کامل دکترین امام و دکترین دشمنان امام پرداخته‌اند. می‌توان اینگونه گفت که دکترین جریان خلافت بنی‌امیه در این دوره از نظر ایشان «تحریف اسلام» است و چرایی آن اینکه «اگر قرار بود احکام اسلامی و آیات قرآنی همانطوری که هست، برای مردم تبیین بشود، امکان ادامه حکومت و زمام‌داری و قبضه کردن قدرت برای اینها نبود، این بود که دست به‌تحریف زدند.» همچنین دو استراتژی اصلی بنی‌امیه در چگونگی تحریف اسلام را نخست، به‌خدمت گرفتن علمای دین به‌وسیله تطمیع و تهدید، برای آنکه همان

<sup>۱</sup> Doctrinal

<sup>۲</sup> Strategic

<sup>۳</sup> این ویژگی در مقاله دیگری از نویسنده با عنوان « معرفی رویکرد تحلیل محتوای دکترینال و استراتژیک تاریخ (با مطالعه موردی کتاب انسان ۲۵۰ ساله) به‌طور کامل توضیح داده شده است.

<sup>۴</sup> بیانات ۱۳۹۲/۲/۹

<sup>۵</sup> بیانات ۱۳۸۴/۳/۱۰

<sup>۶</sup> بیانات ۱۳۸۱/۳/۷

<sup>۷</sup> بیانات ۱۳۸۴/۳/۱۰

چیزی را که مورد علاقه آنها است در بین مردم ترویج کند و دوم، مطرح نمودن یک مبنای غلط فکری به نفع خود و به نام اسلام و تکرار دائمی در منابر دنیای اسلام در جهت شکل‌دهی به فکر مردم بیان می‌دارند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۷۵)

معظم‌له مبتنی بر دکترین دشمن، دکترین امام باقر<sup>(ع)</sup> را «مبارزه با تحریف در معارف اسلامی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۸۴) می‌دانند. چرایی انتخاب این دکترین توسط امام را باید در چارچوب تقابل با دکترین دشمن بررسی نمود. اما در چگونگی، از نظر ایشان، امام باقر<sup>(ع)</sup> از سه استراتژی استفاده نمودند: مبارزه فرهنگی برای عوض کردن ذهن مردم، (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۷۷) موضع‌گیری خصمانه در برابر قدرت‌های فکری و فرهنگی. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۸۱) سه، ادامه سازماندهی پنهانی شیعیان. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۷۹)

تاکتیک امام باقر<sup>(ع)</sup> در پیاده‌سازی استراتژی‌های سه‌گانه عبارتست از اجتناب از درگیری با قدرت مسلط در صحنه‌ای حاد و پیکاری رویاروی. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۹۰)

همچنین به برخی تکنیک‌های امام برای پیشبرد هر استراتژی هم اشاره دارند:

برای استراتژی نخست، ۱. «تبیین قرآن برای مردم». (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۷۷) ۲. «در هر فرصت مناسبی با نشان دادن گوشه‌ای از واقعیت تلخ و مرارت‌بار زندگی شیعه مردم غافل را آماده گرایش‌های تند و جهت‌گیری انقلابی می‌سازد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۸۲) ۳. وصیت برای برگزاری مراسم عزاداری برای خودشان به مدت ۱۰ سال در منا. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۹۳)

برای استراتژی دوم، سخن گفتن با لحن اعتراض‌آمیز خطاب به‌کثیر شاعر و شماتت عکرمه (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۸۱)

و برای استراتژی سوم، ۱. تربیت شاگردان و تبدیل کردن آنها به وکلای امام در سطح جهان اسلام. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۷۹) ۲. بیان سَمَت کلی حرکت امامت که همان ایجاد نظام اسلامی است، برای شیعیان در جهت زنده‌سازی آرمان بزرگ شیعه. ۳. برانگیختن احساسات به‌اندازه لازم در میان شیعیان. ۴. نوید آینده دلخواه که چندان دور هم نیست و ۵. تعیین سال پیروزی. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۹۱)

#### ابعاد تاریخ‌نگاری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

«وصف مکتوب احوال و اعمال انسان و آنچه بر او گذشته است، به‌هر روش و مبتنی بر هر مکتب و رعایت هر شیوه تنظیم و تدوین تاریخی را تاریخ‌نگاری می‌توان خواند» (کاتب

اصفهان، جلد ۱: ۴۳) در این پژوهش با بررسی وجوه مختلف تنظیم و تدوین و تحلیل تاریخ در کتاب، به دوازده ویژگی برخوردیم که می‌توان آنها را بخشی از ابعاد تاریخ‌نگاری معظم‌له دانست.

#### ۱. منابع مورد استفاده در روایت تاریخ

ایشان در تحلیل تاریخ از انواع منابع قرآنی، حدیثی، کلامی، رجالی و تاریخی استفاده می‌کنند. به‌عنوان نمونه در کتاب انسان ۲۵۰ ساله از منابع حدیثی بحارالانوار، الکافی، شرح اصول کافی، الاحتجاج، عیون اخبار الرضا<sup>(ع)</sup>، تحف العقول، نهج البلاغه، شرح نهج البلاغه، وسائل الشیعه، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، الحیات، المناقب، دعائم الاسلام، نثر الدر، روضه المتقین، عوالم العلوم والمعارف و جامع احادیث الشیعه استفاده شده، از منابع کلامی کتاب التعجب من اغلاط العامه فی مسأله الامامه و کتاب کمال الدین و تمام النعمه استفاده شده، از منابع رجالی کتاب‌های قاموس الرجال، رجال نجاشی، درجات الرفیعه و اعیان الشیعه و از منابع تاریخی کتاب‌های الکامل، اخبار الطوال، الارشاد، انساب الاشراف، تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، ثوره الحسین<sup>(ع)</sup>، اللهوف، جهاد الشیعه، سیره النبویه، صلح الحسن<sup>(ع)</sup> و طبقات ابن سعد استفاده شده.

مهم اینکه موضوع پراهمیت «تاریخ امامت» این اقتضاء را دارد که صرفاً به منابع تاریخی اکتفا نشود و از سایر منابع مورد پذیرش دانشمندان اسلامی نیز استفاده گردد، لذا ایشان با اشراف بر این نکته، از لابه‌لای منابع به تحلیل‌های بدیعی دست یافته‌اند که دسترسی به آنها به سهولت برای یک مورخ صرف امکان‌پذیر نیست.

#### ۲. تعریف مفاهیم و اصطلاحات

در پژوهش «اصطلاحات و مفاهیم اختصاصی و تخصصی باید تعریف شود». (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۲۶) همچنان که در بخش تاریخ‌نگاری اشاره شد، زاویه نگاه رهبر انقلاب «مبارزه حاد سیاسی» است. ایشان مبارزه حاد سیاسی را اینگونه تعریف می‌کنند «مبارزه‌ای با یک هدف سیاسی. آن هدف سیاسی عبارتست از تشکیل حکومت اسلامی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۷) و اینکه «مبارزه در هر زمانی به شکل خاصی است، گاهی مبارزه با کارهای فرهنگی، علمی، سیاسی، تشکیل و تحزب و ایجاد سازماندهی و گاهی با کارهای خونین، فعالیت‌های جنگی و نبرد آشکار است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۷۲) در نگاه ایشان، مبارزه سیاسی نه صرفاً مبارزه علمی، اعتقادی و کلامی برای اثبات مکتب و منکوب کردن دشمن است و نه مبارزه مسلحانه محض از جنس اقدامات جناب زید بن علی<sup>(ع)</sup> و بنی‌الحسن<sup>(ع)</sup> و آل جعفر<sup>(ع)</sup>، (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۷) بلکه

منظور ایشان از کلمه «حاد» حرکت همه‌جانبه علمی، فرهنگی، سیاسی، حزبی و نظامی با حداکثر توان در جهت ایجاد حکومت علوی در سریع‌ترین زمان ممکن است.

همچنین به‌تعریف دقیق اصطلاح «انسان ۲۵۰ساله» نیز پرداخته‌اند: «زندگی این بزرگواران، علیرغم تفاوت ظاهری - که بعضی حتی میان برخی از بخش‌های این زندگی احساس تناقض کردند - در مجموع یک حرکت مستمر و طولانی است که از سال دهم - یازدهم هجرت شروع می‌شود و ۲۵۰سال ادامه پیدا می‌کند و به‌سال ۲۶۰در زندگی ائمه خاتمه پیدا می‌کند. این بزرگواران یک واحدند، یک شخصیت‌اند. باید یک انسانی را فرض کنیم که ۲۵۰سال عمر کرده و در سال یازدهم هجرت قدم در یک راهی گذاشته و تا سال ۲۶۰این راه را طی کرده.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۶)

### ۳. بررسی پیشینه پژوهش

«در مرحله مطالعه، محقق یافته‌های دیگران و به‌عبارتی سابقه و پیشینه مسئله را گردآوری می‌کند و در صورتی که پاسخ مسئله خود را پیدا نکرد مرحله پژوهش را آغاز می‌کند.» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۰۶) ایشان ضمن ابراز تأسف از اینکه تاکنون با چنین نگاهی به تاریخ ائمه توجه نشده، اهمیت و ضرورت آن را بیان می‌دارند: «آنی که من عرض می‌کنم ناشناخته است، این نکته است که متأسفانه در کتاب‌هایی که در زندگی ائمه نوشته شده این نکته معرفی نشده.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۴) در واقع از دید ایشان این امر فاقد پیشینه مطالعاتی مناسب است و به‌همین دلیل باید از این زاویه به مطالعه تاریخ پرداخت. در پانوش صفحه ۲۴۷ از قول ایشان می‌خوانیم: «متأسفانه باید بگویم در تیتراهای این‌گونه بیانات امام سجاد<sup>(ع)</sup> - که محدثین انتخاب کرده‌اند - هیچ‌کدام اشاره‌ای به آن محتوایی که ما اشاره کردیم ندارد. غالباً اینها را هم ذیل عنوان زهد ذکر کرده‌اند، باید اشاره‌ای هم می‌شد که امام<sup>(ع)</sup> در این بیانشان دارند به‌مسائل سیاسی اشاره می‌کنند.»

در فصل یازدهم درباره امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌خوانیم: «این زندگی پر ماجرا که از لابه‌لای صدها روایت تاریخ مشاهده می‌شود، نه در تاریخ و نه در گفتار محدثان و تذکره‌نویسان، هرگز به‌شکل مرتب و پیوسته منعکس نگشته» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۰۴) و درباره امام کاظم<sup>(ع)</sup> می‌خوانیم: «حالا اگر شما سؤال کنید که موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> وقتی به‌امامت رسید چطور مبارزه را شروع کرد، چکار کرد، چه کسانی را جمع کرد، کجاها رفت، در این ۳۵سال چه حوادثی برای موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> پیش آمد، متأسفانه بنده جواب روشنی ندارم و این همان چیزی است که یکی از غصه‌های آدمی

است که در زندگی صدر اسلام تحقیق می‌کند. یک زندگی مرتب و مدوئی از این دوران ۳۵ ساله در اختیار هیچکس نیست. اینی که عرض می‌کنم کتاب نوشته نشده، کار تحقیقاتی انجام نگرفته و باید بشود، به‌خاطر همین است. یک چیزهای پراکنده‌ای هست که از مجموع اینها می‌توان چیزهای زیادی فهمید.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۴۹)

۴. پرهیز از پیش‌داوری و نگاه اعتقادی به تاریخ

ایشان پرهیز لازم را «از هرگونه پیش‌داوری، قضاوت عجولانه، جانب‌داری و داوری‌های ناصواب که باعث می‌شود تحقیق از مرحله گردآوری اطلاعات تا تجزیه و تحلیل‌شان جریان طبیعی خود را حفظ کند.» (ملائی‌توانی، ۱۳۹۰: ۵۶) دارند. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «ما اصلاً از دیدگاه اعتقادی بحث نمی‌کنیم؛ یعنی من خوش ندارم که مسائل را از آن دیدگاه بررسی کنم؛ بلکه فقط از جنبه تاریخی آن را مطرح می‌کنم.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۳۴)

۵. دارا بودن روش تحقیق

در فصل یازدهم کتاب ایشان نگاهی گذرا به روش تحقیق در تاریخ دارند و احاطه تکنیکی خود را نشان می‌دهند. «این زندگی پر ماجرا و حادثه‌خیز که کشمکش‌ها و فراز و نشیب‌های آن از لابه‌لای صدها روایت تاریخی مشاهده می‌شود، نه در تاریخ و نه در گفتار محدثان و تذکره‌نویسان، هرگز به‌شکل مرتب و پیوسته منعکس نگشته و زمان و خصوصیات بیشتر حوادث آن تعیین نشده است. پژوهشگر باید با تکیه بر قراین و ملاحظه جریان‌های کلی زمان و مقایسه هر روایت با اطلاعاتی که درباره اشخاص یا حوادث یاد شده در آن، از منابع دیگر می‌توان بدست آورد، زمان و مکان و خصوصیات حادثه را کشف کند.

علت دیگر را در خصلت تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نویسان باید جستجو کرد. یک جمع محکوم، اگر در تاریخ رسمی، نامی هم داشته باشد، چنان خواهد بود که جریان حاکم خواسته. برای مورخ رسمی، غیر از سخنان دل‌آزار درباره محکومان، که می‌باید به‌سعی و تلاش فراوان از اینجا و آنجا جست و با بیم فراوان ثبت کرد، خبرها و سخن‌های بسیاری از حاکمان در دست هست که بی‌زحمت می‌توان بدست آورد و خطر نکرد.

واقعیت دیگر (اینکه) همه تواریخ معروف و معتبری که مدارک و مأخذ بیشترین تحقیقات و گزاره‌های بعدی به‌شمار می‌آید و تا پانصد سال بعد از زندگی امام صادق<sup>(ع)</sup> نوشته شده است، دارای صبغه عباسی است.

تنها راهی که می‌تواند ما را با خط کلی زندگی امام آشنا سازد، آن است که نمودارهای مهم زندگی آن حضرت را در لابلاهای این ابهام‌ها یافته، به‌کمک آنچه از اصول کلی تفکر و اخلاق آن حضرت می‌شناسیم، خطوط اصلی زندگینامه امام را ترسیم کنیم و آنگاه برای تعیین خصوصیات و دقایق، در انتظار قراین و دلایل پراکنده تاریخی و نیز قراینی به‌جز تاریخ، بمانیم.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۰۴)

#### ۶. بیان محدوده موضوعی پژوهش

ایشان قائل به‌وجود یک جهت‌گیری سیاسی در زندگی ائمه<sup>(ع)</sup> هستند که با بیان آن محدوده موضوعی تحقیق خود را مشخص می‌کنند. «توجه به‌اینکه زندگی مستمر این عزیزان با یک جهت‌گیری سیاسی همراه است و بنده به‌این مطلب خواهم پرداخت.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۷)

#### ۷. بیان محدوده زمانی پژوهش

شروع بررسی ایشان درباره ائمه مربوط است به‌شروع امامت هر امام، و این لحظه را نقطه آغاز حرکت سیاسی آن امام می‌دانند. «ائمه<sup>(ع)</sup> همه‌شان به‌مجرد این که بار امانت امامت را تحویل می‌گرفتند، یکی از کارهایی که شروع می‌کردند یک مبارزه سیاسی بود برای گرفتن حکومت.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۴)

#### ۸. وجود نوآوری در انتخاب مسئله

«اهمیت موضوع در تازگی آن است و باید به‌نحوی باشد که در نتیجه تحقیق آن، نکته‌ای تازه کشف و مطلب تاریک و مبهمی روشن شود و آگاهی‌های موجود را بتوان تصحیح کرد.» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۸: ۱۱) هدف رهبر انقلاب در حوزه تاریخ، فتح بابی جدید در مطالعات تاریخی است. «من رئوس مطالب را عرض می‌کنم برای اینکه دنبال این مسئله بروند، با این چهارچوب یک بار دیگر روایات را نگاه کنند و کتب تاریخ را ببینند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۹) و این به‌معنای گشودن پنجره‌ای جدید به‌سوی تاریخ است. ایشان در انتهای فصل امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «این گذری بر یکی از فصل‌های عمده زندگی نامه سیاسی ۲۵۰ ساله ائمه بود که امید است محققان تاریخ قرن‌های اولیه اسلام همت تحقیق هر چه بیشتر آن بگمارند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۷۹)

#### ۹. روش استفاده از اطلاعات تاریخی

با تأکید بر فهم وادی و درک پارادایم اقدام ائمه است که رهبری از مطالعه وضعیت دشمنان ائمه، در حالی که شاید هیچ سند تاریخی برای برخی اقدامات ائمه وجود ندارد، به‌نتیجه‌گیری

تاریخی می‌پردازند، که نمونه بارز آن را می‌توان در بیان روایت محمدبن‌سنان که «از شمشیر هارون خون می‌چکید» مشاهده نمود. «هنر امام ما آن بود که توانست تشیع را از گزند توفان حادثه به سلامت بدارد و با شیوه تقیه‌آمیز شگفت‌آوری جان خود را که محور جمعیت شیعیان بود، حفظ کرد و در دوران قدرت مقتدرترین خلفای بنی‌عباس مبارزات عمیق امامت را ادامه داد. تاریخ نتوانسته است ترسیم روشنی از دوران ده ساله زندگی امام هشتم در زمان هارون ارائه کند، اما به تدبیر می‌توان فهمید که امام هشتم در این دوران همان مبارزه درازمدت اهل بیت را با همان جهت‌گیری و همان اهداف ادامه می‌داده است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۶۵)

در جای دیگری از کتاب آمده «اگر چه در متون تواریخ اسلامی و نیز در کتب حدیث و غیره، به‌صراحت از فعالیت‌های تعرض‌آمیز و بالنسبه حاد امام باقر<sup>(ع)</sup> سخنی نیست، ولی همواره از عکس‌العمل‌های حساب‌شده دشمن آگاه می‌توان عمق عمل هر کس را کشف کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۸۵) این نوع نگاه به تاریخ مختص به دوره امام باقر<sup>(ع)</sup> نیست و در موارد دیگر نیز ایشان با مطالعه رفتارهای حاکمان و گزارشات تاریخی علی‌الظاهر غیر مرتبط با زندگی ائمه، به تحلیل تاریخ ائمه می‌پردازند. «باید در پی قراین و شواهد و بطون حوادث ظاهراً ساده‌ای بود که اگر چه نظر بیننده عادی را جلب نمی‌کند، ولی با دقت و تأمل، خبر از جریان‌های پنهانی بسیاری می‌دهد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۲۸)

#### ۱۰. نحوه ارجاع به منابع

هر چند در برخی از روایات که توسط معظم‌له نقل شده، ایشان اشاره به منبع دارند، مانند صفحه ۱۳۶ کتاب که به «صلح‌الحسن<sup>(ع)</sup>» اشاره شده و یا صفحات ۲۰۸ و ۲۱۳ و ۲۳۴ و ۲۶۵ و ۳۱۹، اما این روش جاری ایشان برای بیان تاریخ نیست، بلکه بدین شکل تسلط تاریخی‌شان را نشان می‌دهند، اما از آنجا که هدفشان روایتگری تاریخ نیست و بیشتر به دنبال بیان عبرت‌های تاریخ هستند، خود را درگیر مباحث تکنیکی تاریخ نمی‌کنند و چندان به منابع ارجاع نمی‌دهند. با این حال برای مخاطب آگاه، وجوه تسلط ایشان بر منابع مشهود است.

همچنین مراجعه به مفاد تاریخی در بخشی از سخنان ایشان، ناظر به ارائه مثال برای اصل مطلب است و لذا فقط به اصل محتوای تاریخی بدون ارجاع به منبع اشاره می‌نمایند. بعنوان نمونه می‌توان به بیان تاریخ در صفحات ۱۸ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۹ و ۳۱ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۲۱۹ و ۲۲۸ کتاب اشاره نمود که ارجاع داده نشده و تماماً در جهت تأیید تاریخی تحلیل رهبری



در موضوع مورد بحث بکار آمده.

گفتنی است که بنظر می‌رسد برخی منابع نیز شامل مرور زمان شده و چندان منبع آنها در خاطر ایشان نمانده، لذا ضمن بیان محتوای تاریخی می‌فرمایند: «من همین قدر اشاره می‌کنم برای کسانی که علاقه‌مند به این مسائل هستند، مظانش اینهاست، بروند دنبالش پیدا کنند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۵۴)

۱۱. وجود نتیجه‌گیری

ایشان نتیجه را اینگونه بیان می‌کنند که «اگر ائمه علیهم‌السلام غیر از این دو کاری که گفتیم - بیان شرایط امام و معرفی شخص امام - هیچ کار دیگری نداشتند، کافی بود که ما بگوییم زندگی ائمه از اول تا به آخر یک زندگی سیاسی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۴)

۱۲. ارائه پیشنهادات پژوهش

در نهایت ایشان به بیان پیشنهاد پژوهش می‌پردازند: «من رؤس مطالب را عرض می‌کنم برای اینکه آن کسانی که شوق دارند دنبال مسئله بروند، با این چارچوب یک بار دیگر روایات را نگاه کنند. کتب تاریخ را ببینند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۹)

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش بدنبال پاسخ به این سؤال بودیم که رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری در کتاب انسان ۲۵۰ ساله بر چه قواعدی بنا شده است. بنابراین با استفاده از روش تحقیق تحلیلی توصیفی به بررسی کتاب پرداختیم که با تفکیک دو بخش تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری معظم‌له، نتایج ذیل حاصل شد.

در بخش تاریخ‌نگاری که گزاره‌های اصلی بینش تاریخی ایشان را نمایان می‌سازد با چهار ویژگی کلی مواجه شدیم. نخست اینکه ایشان از زاویه بررسی مبارزه حادّ سیاسی برای تشکیل حکومت علوی به اقدامات ائمه می‌نگرند و سه فرضیه بر اندیشه ایشان حاکم است. تمام کارهای ائمه با یک هدف بوده، آن هدف تشکیل حکومت علوی است و ائمه از لحظه وفات پیامبر تا سال ۲۶۰ و البته در زمان غیبت در صدد تشکیل این حکومت بوده و هستند.

دوم اینکه ایشان با یک نگاه توحیدی به تحلیل تاریخ می‌پردازند. با استفاده از اصول و قواعد حاکم بر دین، ابتدا جبهه حق و باطل را از هم تفکیک می‌کنند و سپس مختصات نظری و

مصادیق تاریخی هر جبهه را معرفی می‌نمایند. حاصل این نوع تحلیل تاریخ، تفکیک امر معروف از امر منکر و در نتیجه امر به معروف و نهی از منکر است که سبب ایجاد حس تمایل به هجرت از امر باطل به سوی امر حق در مخاطب می‌شود و در نتیجه اصول توحید و امامت و فروع توکی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر و مفهوم هجرت به شکل روشمند و با قابلیت تکرار و تعمیم، احیاء می‌شود.

سوم اینکه معظم‌له تاریخ را به شکل یک خط مستمر و یک فرآیند و منطبق بر بررسی یک دوره کامل زمانی تحلیل می‌کنند. این نگاه فرآیندی علاوه بر اینکه دوره امامت هر امام را بطور کامل زیر نظر می‌گیرد و بعد تحلیل می‌کند، دوره نبوت، امامت و غیبت را هم بهم پیوند داده و سپس به تحلیل تاریخ می‌پردازد. بر همین اساس شاهد سه نوع تقسیم‌بندی زمانی در تاریخ اسلام هستیم. اسلام به شکل نهضت یا حکومت، هفت دوره امامت و تقسیم‌بندی دوره امامت یک یا چند امام ذیل یک برنامه.

و چهارم اینکه رویکرد تحلیلی ایشان، رویکرد تحلیل محتوای دکترینال و استراتژیک تاریخ است. ایشان ابتدا به کشف دکترین‌های حاکم بر هر دوره تاریخی پرداخته و سپس ابعاد استراتژیکی، تاکتیکی و تکنیکی پیاده‌سازی آن دکترین در آن دوره تاریخی را توضیح می‌دهند که علاوه بر ایجاد فهم آسان رویداد تاریخی در مخاطب، نوعی مطالعه تطبیقی تاریخ نیز هست.

در بخش تاریخ‌نگاری دوازده ویژگی اصلی در روش تاریخ‌نگاری ایشان مشاهده می‌شود. استفاده از منابع مورد اجماع دانشمندان اسلامی شامل قرآن، حدیث، کلام، فقه و رجال در تحلیل تاریخ، تعریف کامل مفاهیم و اصلاحات، بررسی پیشینه پژوهشی مطلب مورد بحث، پرهیز از پیش‌داوری و نگاه اعتقادی به تاریخ، دارا بودن روش تحقیق، بیان محدوده زمانی و موضوعی، وجود نوآوری در بیان مسئله، مطالعه وضعیت دشمن برای فهمیدن چگونگی و شدت و جهت اقدام ائمه، عدم التزام به ارجاع به منبع، وجود نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد.

بنابراین همچنان که در فرضیه مورد اشاره قرار گرفت، باید گفت مبنای تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری آیت‌الله سید علی خامنه‌ای از یک نظام استوار و کارای تحلیلی پیروی می‌کند که قابلیت تعمیم برای سایر مطالعات تاریخی را داراست. ایشان هم در بخش تاریخ‌نگاری دارای سبک و شیوه خاصی هستند که به شدت قابل تسری و تعمیم برای تحلیل تاریخ است و هم در بخش تاریخ‌نگاری، علاوه بر سبک خاص که ناشی از اشراف ایشان بر سایر علوم دینی و انسانی است،

بر روش‌های بدیهی و مورد اجماع علمای علم تاریخ هم احاطه داشته و از آن بهره می‌برند. در پایان باید گفت، هر چند این پژوهش صرفاً بر روی کتاب انسان ۲۵۰ ساله انجام شد، اما می‌توان با تعمیم آن به سایر بیانات و تحلیل‌های تاریخی معظم‌له، علاوه بر شناخت بینش و روش تاریخی ایشان، به‌زوایای جدیدی در تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری نیز پی برد.

## کتابنامه:

- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی؛ چاپ هفدهم. ویراست دوم. تهران: سمت.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن؛ چاپ هفتم. قم: انتشارات موسسه ایمان جهادی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵). انسان ۲۵۰ ساله؛ چاپ ششم. ویرایش دوم. قم: انتشارات صهبا. دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب به‌آدرس [www.farsi.khamenei.ir](http://www.farsi.khamenei.ir)
- رجبعلی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۶). بررسی جایگاه فهم توحیدی با تکیه بر متن قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مترجمی زبان عربی. دانشگاه تهران، پردیس فارابی، دانشکده الهیات.
- عباسی، حسن (۱۳۹۵). درسگفتار/ سخنرانی «ثنویت توحیدی - ثنویت در غرب»، تهران: کلبه کرامت.
- فیض، علی‌رضا (۱۳۸۴). مبادی فقه و اصول. چاپ هفدهم. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ‌دانشگاه تهران.
- قمی، شیخ عباس (۱۴۱۴ق). سفینه‌البحار. باب هجر. قم: نشر اسوه.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۸). روش تحقیق در تاریخ‌نگاری. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- کالینز، جان، ام (۱۳۸۶). استراتژی بزرگ. ترجمه بایندر. چاپ چهارم. تهران: وزارت امور خارجه. کلبه کرامت [www.kolbeh-keramat.ir](http://www.kolbeh-keramat.ir)
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). تفسیر نمونه. چاپ بیستم. جلد ۴. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- ملائی‌توانی، علی‌رضا (۱۳۹۰). درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ؛ چاپ چهارم. تهران: نی.